



کاوس کیانی

شریعتی‌شناسی در این بحران!؟

موضوع : استیصالِ جوانانِ وطن

درباره‌ی شریعتی

سال : ۱۳۹۶

کانون آرمان شریعتی

✦ پرسش :

● مردم ما در معاش مشکل دارند، و دیگر جایی برای فکر به شریعتی نمانده است! من خودم چندین بار به فکر خودکشی بودم!

● شما چرا خودت را می‌کشی؟! آماده باش که آن قاتل‌ها و جنایتکارها را در زمان‌اش که رسید بکشی! بنابراین، چرا خودتان را بکشید، برای چی؟ می‌دانم گاهی اوقات خستگی روحی شدید پیش می‌آید، و انسان ممکن است ناگهانی دست به این کار بزند.

● این حالت برای من هم پیش آمده است. اما در هر صورت، بهتر است که، دست به این کار نزنیم. حیف است که، دیگران بدزدند و ببرند و بخورند، و ما خودمان را بکشیم! ما مشکل معاش داریم، اما این ربطی به شناخت شریعتی ندارد. یک حکومتی وجود دارد که مردم را می‌چاپد، و ما نیازمند رهایی از این حکومت استبدادی هستیم، و نیز رهایی از این نظام سرمایه‌داری دلالی‌ها، و از این نظام فرهنگی ارتجاعی قبیله‌ای، یعنی همان "زر و زور و تزویر"ی که بر ما حاکم است، و طبیعتاً باید به فکر راه نجاتی باشیم.

● حال ما، بخشی از مبارزانی که به فکر یافتن راهی برای رهایی هستیم، معتقدیم که: آن راه اصولی رهایی‌بخش، استراتژی "آزادی، برابری، عرفان" شریعتی است، یعنی معتقدیم که، ما ابتدا باید برای آزادی مبارزه کنیم، فدا

بدهیم، بها بدهیم، و در مرحله‌ی بعد، این تبعیض‌های اقتصادی و حقوقی و فرهنگی موجود را برداریم، و یک نظام برابره ایجاد کنیم، تا زمینه برای زندگی ایجاد شود، چه یک زندگی عادی برای مردم عادی، و چه یک زندگی متعالی، و رشد و خداگونه شدن، برای افراد خودآگاه و فرهیخته.

● در آن جامعه‌ی آزاد و برابر، هر کسی حق دارد که شیوه‌ی زندگی خویش را انتخاب کند. و ما مبارزان و کنش‌گران فقط وظیفه داریم که، یک بستر آزادانه و برابره را، برای تمامی افراد جامعه، فراهم کنیم، تا انسان‌ها، آن نوعی از زندگی را که می‌خواهند، انتخاب کنند. یکی، شاید یک "زندگی نباتی" را انتخاب کند، و یکی هم، یک زندگی متعهدانه‌ی انسانی و رهایی‌بخش را در پیش گیرد.

● ما طرفداران شریعتی هم، به عنوان بخشی از این جامعه‌ی رنگین‌کمانی، مثل شما و دیگران، در بند تامین معاش گرفتاریم، اسیر محدودیت‌ها شدیم، روان‌پریش هم شدیم، سرشار از نفرت و کینه هم هستیم، زندگی و جوانی ما هم بر باد رفت، و به مرحله‌ی خودکشی هم رسیدیم، چرا که همه در همین جامعه زندگی می‌کنیم، و همدردیم.

● ما یک "درد مشترک"ی داریم که باید "فریاد" کنیم. و آن درد استبداد است، و نیازمان، کسب آزادی است. حالا هر کسی براساس روش خویش با این استبداد در حال جنگ است. پس شما هم، به ما طرفداران شریعتی، این اجازه را بدهید که، راه خودمان را در پیش بگیریم، حزب خودمان را داشته باشیم، و تلاش خودمان را بکنیم، تا خودآگاهی بدهیم، دعوت به تشکل و نهادسازی و سندیکاسازی و اتحادیه‌سازی کنیم، و راه سومی را در پیش بگیریم.

● ما این کار را می‌کنیم، و شما هم، براساس فکر و اندیشه‌ی خودتان، راه دیگری را انتخاب کنید. حالا اگر طرفدار شریعتی نیستید، و اگر مارکسیست هستید، آتئیست هستید، و...، مسیر خاص خودتان را پیش بگیرید.

● ما باید این تکرر راه‌ها را ببینیم و بپذیریم. اما واقعیت آن است که، امروز هدف اکثریت مردم جامعه‌ی ما، رسیدن به "آزادی" است، به "برابری" است، و به یک "زندگی"ی انسانی است. و شما می‌توانید، آن بخش سوم را، که ما آن را بخش عرفان می‌دانیم، به هر نام و ماهیتی که مایلید، معنا کنید! و در هر صورت، آن بخش را، به هر معنایی که بگیرید، نوعی امکان "رهایی" در آن نهفته است.

● ما مردم ایران، در راستای رسیدن به هدف خودمان، به چیزی که نیازمندیم، "آزادی" و "برابری" است، همان بستری که، در آن بتوانیم، به هر هدفی که در زندگی داریم، برسیم، هر چند با راه‌ها و روش‌های گوناگون.

● یکی از معضلات موجود در مبارزه آن است که، تمامی افراد و اقشار جامعه، در یک وضعیت همسان سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، و... قرار ندارند، و در نتیجه، خود را در یک مرحله‌ی مشترک مبارزاتی حس نمی‌کنند، و ما نباید سعی کنیم که همه را براساس شرایط فکری، روحی، و مبارزاتی خودمان، به درون مبارزه بکشانیم.

● آری! تمامی مبارزان یک جامعه، در شرایط یکسانی قرار ندارند، و باید این اصل مهم را درک کنیم که: برآیند و میانگین گرایش‌های کل نیروهای فعال و فداکار یک جامعه است که، جهت و قدرت یک جنبش را، تعیین می‌کند.

● اجازه دهیم که هر کسی راه خودش را برود، مهم آن است که هدفمان مشترک باشد، و اگر این هدف مشترک نیست، تلاش کنیم که، با گفتگو و دیالوگ، نیاز اساسی جامعه را، در این مرحله از مبارزه، کشف کنیم، و آنگاه همگی آن را به عنوان هدف مبارزه‌ی خویش "انتخاب" کنیم، نه آن که هدفمان را به دیگری تحمیل کنیم.



تالار گفتمان شریعتی

آخرین ویرایش : تیر ۹۸

کانون آرمان شریعتی

